

**جهت تهیه این کتاب می‌توانید با شماره  
تلفن‌های ذیل تماس حاصل نمایید.**

**۰۲۵-۳۷۷۴۹۲۷۴**

**۰۹۱۲۶۵۲۵۰۷۰**

**همچنین می‌توانید در شبکه‌های  
اجتماعی ایتا و تلگرام با شماره فوق  
سفارش خود را ثبت فرمایید.**

■ کانال ایتا: nashrehoghoghepoya

■ کانال تلگرام: hoghoghepoyapub

■ کانال پیام رسان بله: pooya\_law

■ کانال پیام رسان سروش: pooyalaw

■ فروشگاه اینترنتی: [www.hpbook.ir](http://www.hpbook.ir)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مجموعہ سوالات اختصار کیفری

جلد پنجم

## حقوق جزای عمومی

با آخرین اصلاحات و تغییرات

منطبق با قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹

محسن مرادی اوجقاز-مجید عطائی جنتی - فاطمه ملکی آزارکی  
(قضات دادگستری)

نشر حقوق پویا

## مقدمه

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ مَصَائِرُ الْخَلْقِ وَعَوَاقِبُ الْأَمْرِ، نَحْمَدُهُ عَلَى عَظِيمِ إِحْسَانِهِ وَتَبَرُّرِ بُرْهَانِهِ وَنَوَامِي فَضْلِهِ وَامْتِنَانِهِ؛ حَمْدًا يَكُونُ لِحَقِّهِ فَضَاءً وَلِشُكْرِهِ أَدَاءً»

ستایش خدای را که بازگشت همه آفریدگان و پایان کارها به اوست. او را ستایش میکنم، به سبب احسان فراوانش و برهان روشنش و فضای و عطای روزافزانش.

ستایشی که حق او را به جای آرد و سپاسش را ادا کند و ما را به ثواب او نزدیک سازد و موجب فزونی بخشش او شود.

تالیف کتاب حاضر به همت و همراهی تنی چند از همکاران و با توجه به نیازهای موجود قشر کارآموزان قضایی صورت گرفته است.

در این کتاب سعی بر این شده است تا گوشه‌ای از سؤالات حقوق جزای عمومی مطرح شده در اختیار کارآموزان محترم قضایی در سال‌های گذشته جمع‌آوری و به سؤالات پاسخ‌های مستدل و مستندی داده شود و از طرفی سعی شده است از مطرح کردن مباحث نظری حقوق خودداری و مطالب کاربردی قید شود.

ذکر این نکته ضروری است که با توجه به اینکه قوانین جزائی در حیطه عمل و دکترین تفاسیر مختلف و متعددی دارند و حتی اساتید برجسته حقوق نیز در تفسیر برخی از مواد قانونی دارای اختلاف و گاهاً نظرات متفاوتی می‌باشند، در این کتاب نیز سعی بر این شده است تا در پاسخ‌گویی به سؤالات به متن قانون و دکترین و همچنین رویه‌های قضایی مختلف در کشور توجه کافی شود و تا جایی که امکان‌پذیر بوده است نظرات متعدد ذکر گردد و لیکن توجه به این نکته ضرورت دارد که آن‌چه در پاسخ سؤالات قید شده است نظر و تفسیر نویسندگان بوده و الزاماً به معنای نظر قطعی و رویه حاکم نمی‌باشد و امکان این که رویه متفاوتی در برخی از محاکم وجود داشته باشد وجود دارد و نهایتاً این کتاب صرفاً جهت راهگشایی کارآموزان قضایی بوده و پاسخ نهایی و تفسیر آن بر عهده خودشان می‌باشد. با امید به اینکه کتاب حاضر راهنمای کارآموزان محترم قضایی باشد.

**سؤال ۱: جرم شامل چیست؟**

ماده ۲ قانون مجازات اسلامی: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود.»

نواوری این ماده نسبت به ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، این است که قانونگذار کلمه «رفتار» را برای تحقق عنصر مادی جرم به کار برده و آن را اعم از فعل و ترک فعل دانسته است و در واقع با توجه به این که در جرایم مختلف، عنصر مادی به دو صورت فعل یا ترک فعل قابل تحقق است، با به کار بردن یک اصطلاح جامع، هر دو مصداق را مورد توجه قرار داده است. به همین جهت در این قانون هر جا سخن از عنصر مادی جرم به میان آمده است، از اصطلاح «رفتار» استفاده شده که اعم از فعل و ترک فعل است.

نکته دیگر اینکه بر خلاف ماده ۲ قانون مجازات اسلامی سابق، کلمه «مجازات» در این ماده فقط مجازات به معنای خاص را شامل است و اقدامات تأمینی و تربیتی را در بر نمی‌گیرد، زیرا مجازات صرفاً برای اشخاص دارای مسئولیت و اقدامات تأمینی و تربیتی فقط برای اطفال و مجانین پیش‌بینی شده است که دارای مسئولیت کیفری نیستند.

و در نهایت، کلمه «قانون» در این ماده اعم است از مصوبات مجلس شورای اسلامی و کمیسیونهای داخلی آن، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام و عهدنامه‌های بین‌المللی که مطابق اصل ۷۷ قانون اساسی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی در حکم قانون است. (الهی منش و مرادی اوجقاز، حقوق جزای عمومی ۱، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۴۰۰، ۲۳)

یادداشت:

**سؤال ۲: جزای عمومی به چه معناست؟**

جزای عمومی مجموعه قواعد کلی و مشترک همه جرایم و مجازات‌ها را بررسی می‌کند یعنی در حقوق جزای عمومی مسائل عام حقوق جزا مطرح می‌شود، تعریف و تبیین جرم، شرایط و مختصات مجازات و اقدامات تأمینی، مسئولیت جزایی، علل تشدید کننده مجازات یا کیفیات تخفیف دهنده آن از جمله مسائل عامی هستند که در این رشته از حقوق مطرح می‌شوند. در مقابل حقوق جزای عمومی، حقوق جزای اختصاصی قرار دارد که به احصاء و طبقه‌بندی یکایک جرایم و عناصر تشکیل دهنده هر کدام را جداگانه بررسی می‌کند و مجازات هر یک را به تنهایی معین می‌نماید. (الهی منش و مرادی اوجقاز، کلیات حقوق جزا، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۴۰۰، ۱۷)

یادداشت:

**سؤال ۳:** آیا مراجعه به فقه جایز است؟ تحت چه شرایطی؟ اگر بین فتوای مشهور و فتوای رهبر اختلاف بود کدام یک متبع است؟

اگر مجازات یک جرم در قانون مشخص شده باشد ولی تعریف دقیق آن در قانون نیامده باشد در این صورت اشکالی وجود ندارد که برای تعریف آن جرم و تعیین مصادیق آن به فقه و فتاوی رجوع کرد. هم‌چنین بر اساس ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی: «در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است طبق اصل یکصد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می‌شود.» بر اساس این ماده در دو صورت می‌توان بر اساس اصل فوق به منابع معتبر فقهی مراجعه کرد:

اول: برای جرم‌انگاری در مورد رفتارهای مستوجب حد که در این قانون به آنها اشاره نشده است.

دوم: برای تفسیر قوانین و یافتن برخی احکام مربوط به کیفیت اجرای حدود که قانون متعرض آنها نشده است. البته به نظر می‌رسد که اختلاف مذکور در باب تعزیرات هم‌چنان پابرجاست چرا که ماده ۲۲۰ صرفاً درباره حدود تعیین تکلیف نموده و قابل تسری به جرایم تعزیری نیست.

در لایحه ارسالی از سوی قوه قضائیه و مصوب کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس شورای اسلامی، ماده ۲۲۱ بعد از ماده ۲۲۰ و به این صورت تدوین شده بود: «هرگاه رجوع به اصل یکصد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی لازم شود، مقام قضائی از رهبری استفتاء می‌کند. مقام رهبری می‌تواند این امر را به فرد یا افرادی تفویض نماید.» شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۹۱/۶/۲۶ نسبت به این ماده این‌گونه تذکر داد: «نظر به اینکه ماده ۲۲۱ اختصاص به حدود ندارد، لذا مناسب است به قسمت کلیات در کتاب اول، بعد از ماده ۱۲ منتقل شود.» بعد از انتقال آن به قسمت کلیات، مجدداً این ماده به موجب نظریه شماره ۵۵۴۲۲ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۹ شورای نگهبان مغایر اصل ۱۶۷ قانون اساسی تشخیص داده شد و حذف گردید. ایراد شورای نگهبان این بود که: «در مواردی که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) فتوایی ندارند و قاضی می‌تواند از منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را استنباط کند، الزام قاضی به استفاده از محضر مقام معظم رهبری، مغایر اصل ۱۶۷ قانون اساسی شناخته شد.» در هر صورت، در حال حاضر و با توجه به اختلاف دیدگاه‌ها، فقط در حدود مراجعه به فقه جایز است و در سایر موارد، دادگاه بایستی، حکم به برائت صادر نماید (الهی منش و مرادی اوچقاز، حقوق جزای عمومی ۱، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۴۰۰، ۹۰-۹۴)

یادداشت:

.....

.....

.....

.....

**سؤال ۴: فرق رایزن فرهنگی و سفیر از جهت مسئولیت کیفری چیست؟**

مشمولان مصونیت سیاسی یا مصونیت دیپلماتیک، نمایندگان دولتی یک کشور در کشور دیگر هستند که از طرف کشور فرستنده برای انجام وظایف خاص دیپلماتیک، کنسولی سیاسی به کشور پذیرنده اعزام می‌شوند، این افراد از یک رشته معافیت‌های کیفری بهره‌مند هستند که حسب موقعیت و سمت آنها متفاوت است.

مأموران دیپلماتیک = شامل سفیر و دیگر اعضای سفارتخانه است که اعضای هیأت دیپلماتیک را تشکیل می‌دهند. این افراد وظیفه توسعه روابط سیاسی بین کشورها را بر عهده دارند. مأموران دیپلماتیک از یک نوع مصونیت شکلی (تشریفاتی) مطلق برخوردار هستند یعنی تمام جرایم ارتكابی در سرزمین دولت پذیرنده مشمول مقررات مربوط به مصونیت دیپلماتیک می‌شود. اما این امر مانع مسئولیت آنان در کشور فرستنده نیست، بلکه مطابق مقررات کشور فرستنده تعقیب و محاکمه خواهند شد. مقررات این دسته از مأموران در کنوانسیون ۱۹۶۱ وین راجع به مصونیت‌های دیپلماتیک و کنوانسیون ۱۹۷۵ وین راجع به نمایندگی دول در روابط خود با سازمانهای بین‌المللی جهانی پیش‌بینی شده است. کشور ایران به هر دوی این کنوانسیونها پیوسته است. علاوه بر مأموران دیپلماتیک بستگان و اهل خانه آنان به شرط اینکه تبعه کشور پذیرنده نباشند از مزایای این مقررات بهره‌مند می‌شوند. همچنین کارمندان اداری، فنی و خدمه و بستگان آنها نیز در صورت فقدان تابعیت کشور پذیرنده مشمول این مقررات هستند.

مأموران کنسولی = از جمله رایزن فرهنگی، وظیفه آنان توسعه روابط فرهنگی، بازرگانی و اقتصادی یک دولت با دولتی دیگر و حمایت از منافع اتباع در خارج از کشور و انجام اموری همچون صدور اسناد سجلی یا ثبت سایر اسناد مربوط به آنهاست. مقررات مربوط به این دسته از افراد در کنوانسیون ۱۹۶۳ وین درباره روابط کنسولی پذیرفته شده است که ایران نیز در سال ۱۳۵۳ به آن پیوسته است. در مقایسه با مأموران دیپلماتیک، قلمرو برخورداری شخص کنسول یا مأمور کنسولی بر اساس ماده ۴۳ کنوانسیون ۱۹۶۳ از مصونیت سیاسی محدودتر است به این معنا که مصونیت مأموران کنسولی فقط در مورد اعمالی است که در مقام انجام وظیفه کنسولی مرتکب می‌شوند ثانیاً امکان بازداشت و محاکمه مأموران کنسولی در جرایم مشهود در خاک کشور پذیرنده وجود دارد. بنابراین مأموران کنسولی از نوعی مصونیت نسبی برخوردار هستند. شکلی از این حیث که آنان نیز مانند مأموران دیپلماتیک در مراجع قضائی کشور فرستنده محاکمه خواهند شد و نسبی از این جهت که تمام جرایم مشمول مقررات مصونیت کنسولی نمی‌شود. (طهماسبی، جواد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ سوم، بهار ۱۳۹۶، ص ۱۸۳ - ۱۸۲)

یادداشت:

**سؤال ۵:** اگر سفیر عربستان در تهران در حالت مستی مرتکب جرمی شود، مجازات می‌شود یا خیر؟

همانطور که در سؤال ۴ در خصوص مصونیت سیاسی مأموران دیپلماتیک توضیح داده شد، این افراد از مصونیت شکلی مطلق برخوردار هستند، یعنی تمام جرایم ارتكابی در سرزمین دولت پذیرنده مشمول مقررات مربوط به مصونیت دیپلماتیک می‌باشد اما این امر مانع مسئولیت آنان در کشور فرستنده نیست بلکه مطابق مقررات کشور فرستنده تعقیب و محاکمه خواهند شد.

نظریه مشورتی ۷/۱۴۸۹ مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۸ اداره کل حقوقی قوه قضائیه در این خصوص اعلام نموده است: «برابر بند یک ماده ۳۱ کنوانسیون وین مأمورین دیپلماتیک در دولت پذیرنده از مصونیت تعقیب جزایی برخوردارند و منظور از این مصونیت این است که مرجع قضائی دولت پذیرنده نتواند مأمور سیاسی را احضار یا جلب یا توقیف یا محاکمه نماید ولی چون بند ۴ ماده ۳۱ همان قرارداد (کنوانسیون) مصونیت قضائی مأمور سیاسی در کشور پذیرنده را از تعقیب در کشور فرستنده معاف نخواهد نمود، مراجع قضائی در صورت وقوع بزه می‌تواند با استماع شکایت شاکی و جمع‌آوری دلایل و مدارک جرم پرونده را به اداره کل امور بین‌المللی قوه قضائیه ارسال تا از آن طریق به وزارت امور خارجه منعکس شود تا اولاً مقامات سیاسی مملکت در جریان واقعه باشند، ثانیاً اقدامات لازم جهت تعقیب متهم در کشور فرستنده به عمل آورند.» (طهماسبی، جواد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ سوم، بهار ۱۳۹۶، صص ۱۸۴ و ۱۸۲)

یادداشت: .....

.....

.....

**سؤال ۶:** اگر خانم ایرانی در سواحل آنتالیا بی حجاب باشد، بعد از ورود به ایران می‌توان وی را مجازات کرد؟

مطابق ماده ۷ قانون مجازات اسلامی: «علاوه بر موارد مذکور در مواد فوق هر یک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود مشروط بر اینکه:

الف) رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جرم باشد.

ب) در صورتی که جرم ارتكابی از جرایم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد.

پ) طبق قوانین ایران موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد.»

مبنای حقوقی این ماده اصل صلاحیت شخصی قوانین کیفری است که به موجب آن صلاحیت تقنینی و قضائی کشور داخلی نسبت به جرایم ارتكابی توسط اتباع داخلی در خارج از کشور توسعه داده می‌شود.

بنابراین با توضیحات فوق امکان محاکمه این شخص براساس اصل صلاحیت شخصی بزهکار محور در ایران وجود دارد. (الهی منش و مرادی اوجقاز، حقوق جزای عمومی ۱، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۴۰۰، ۱۰۲-۱۰۴)

یادداشت: .....

**سؤال ۷: اگر شخص ایرانی در خارج از کشور مرتکب جرمی شود و دادگاه خارجی در این خصوص رأی صادر نماید، آیا رسیدگی به آن جرم از اعتبار امر مختومه برخوردار است؟**

مطابق ماده ۵ قانون مجازات اسلامی: «هر شخص ایرانی یا غیر ایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرایم زیر یا جرایم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هرگاه رسیدگی به این جرایم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری میزان محکومیت اجراء شده را محاسبه می‌کند...»

نوآوری خاص این ماده آن است که چنانچه به پرونده‌ی مرتکبین جرایم مندرج در این ماده در خارج از ایران رسیدگی شده و منتهی به صدور حکم محکومیت و اجرای آن شده باشد، گرچه اعتبار امر مختوم کیفری پذیرفته نشده است اما دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجرا شده را احتساب خواهد کرد.

اما در خصوص ماده ۷ قانون مجازات اسلامی: «علاوه بر موارد مذکور در مواد فوق هر یک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود مشروط بر اینکه: الف) رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جرم باشد.

ب) در صورتی که جرم ارتكابی از جرایم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد. پ) طبق قوانین ایران موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب با موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد.»

مطابق بند (ب) این ماده فقط در خصوص جرایم تعزیری با شرایط خاصی اعتبار امر مختوم کیفری پذیرفته شده است و فرق این ماده با ماده ۵ این قانون در آن است که در ماده ۵ اعتبار امر مختوم کیفری پذیرفته نشده و صرفاً احتساب مجازات اجرا شده در خارج از قلمرو



حاکمیت ایران مطرح شده است، بر خلاف این ماده که در صورت تحقق شرایط مندرج در ماده اعتبار امر مختوم مورد پذیرش قرار گرفته است. ضمناً موضوع اعتبار امر مختوم برابر ماده ۷ در حدود، دیات و قصاص منتفی است و مرتکب در هر صورت باید در ایران محاکمه و مجازات شود زیرا در ماده فوق اصل بر این است که اعتبار امر مختوم پذیرفته نشده است و هر کسی هر جرمی (اعم از جرم مستوجب حد، دیه، قصاص یا تعزیر) انجام دهد طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود مگر اینکه مرتکب مشمول بند (ب) این ماده شود و این بند هم فقط مربوط به جرایم تعزیری است بنابراین به صراحت این ماده اعتبار امر مختوم در جرایم مستوجب حد، دیه، قصاص پذیرفته نشده است و با توجه به قاعده منع محاکمه مضاعف فقط در جرایم تعزیری پذیرفته شده است. (الهی منش و مرادی اوجقاز، حقوق جزای عمومی ۱، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۴۰۰، ۱۰۵)

یادداشت:

#### سؤال ۸: انفصال موقت مجازات تعزیری درجه چند است؟

صورتجلسه نشست قضائی استان اصفهان مورخ ۱۳۹۷/۱/۲۷ در این خصوص بدین شرح است:

نظر هیئت عالی = با توجه به بند (چ) ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تبصره یک همان ماده، انفصال موقت از خدمات دولتی که به نوعی محرومیت از حقوق اجتماعی محسوب می‌شود، چنانچه مجازات اصلی باشد با عنایت به تبصره یک ماده ۱۹ قانون مرقوم با توجه به مدت انفصال می‌تواند تعزیر درجه ۵ یا ۶ یا ۷ محسوب شود و مرجع رسیدگی به آن دادگاه کیفری ۲ است.

نظر اکثریت = به نظر می‌رسد با توجه به تبصره یک ماده ۱۹ و تعریف حقوق اجتماعی در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی که استخدام و اشتغال را از جمله حقوق اجتماعی دانسته است، انفصال از خدمت در واقع همان محرومیت از این حق اجتماعی محسوب می‌شود چنانچه مجازات اصلی باشد که با توجه به مدت محرومیت می‌تواند درجه هفت، شش یا پنج باشد و بسته به درجه تعیینی در صلاحیت دادسرا یا دادگاه کیفری دو می‌باشد.

نظر اقلیت = با عنایت به اینکه در درجه‌بندی مجازات‌ها، ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی صراحتاً به درجه انفصال دائم اشاره نموده است ولی در خصوص انفصال موقت ساکت می‌باشد به نظر می‌رسد باید طبق ذیل تبصره سوم ماده فوق‌الذکر آن را از درجه هفتم محسوب نمود. با این استدلال جرایم با مجازات انفصال موقت از جمله جرم مقرر در ماده ۵۷۶ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ می‌باشد. (www.neshast.org)

نظريه شماره ۷/۹۵/۱۰۳۲ مورخ ۱۳۹۵/۵/۴ اداره کل حقوقی قوه قضائیه: «با توجه به بند (چ) ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی و تبصره ۱ همین ماده، انفصال از خدمات دولتی و عمومی اعم از دائم یا موقت فی الواقع یکی از موارد محرومیت از حقوق اجتماعی است که گاه به صورت مجازات اصلی و گاه تبعی یا تکمیلی اعمال می شود بنابراین چنانچه جرمی موجب انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی باشد با توجه به تقسیم بندی جرایم تعزیری طبق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مذکور درجه ۴ محسوب می شود و اگر موجب انفصال موقت باشد با توجه به مدت آن، حسب مورد در درجات ۵، ۶ یا ۷ قرار می گیرد و ماده ۲۰ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی ۱۳۹۴ هم مؤید این مطلب است. (شاه حیدری پور، محمدعلی، تحصیل دوست، فریدون، قانون مجازات اسلامی و نظریه های مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه، انتشارات روزنامه رسمی، چاپ دوم، ویرایش اول، ۱۳۹۶، ص ۳۰)

یادداشت: .....

.....

.....

**سؤال ۹: اگر میزان ديه در قانون لاحق نسبت به قانون سابق کمتر شود، عطف به ماسبق می شود یا خير؟**

ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی در مقام بیان «قاعده عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری» است، موضوع عطف به ماسبق نشدن در این ماده منحصر از قوانین شرعی چون حدود، دیات، قصاص و تعزیرات منصوص شرعی است و فقط در تعزیرات غیر منصوص شرعی لازم الاجراست زیرا احکام الهی در صدر اسلام تشریع شده اند و قابل تبدیل یا تغییر نیستند و فرض بر این است که مقنن به موجب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقررات شرعی مربوط به دیات یا قصاص را با لحاظ جزئیات امر و نکاتی که در قانون سابق مسکوت بوده تصویب کرده است. (مصدق، محمد، شرح قانون مجازات اسلامی، انتشارات جنگل، جلد اول، چاپ دهم، ۱۳۹۶، صص ۸۶ و ۷۵- و (الهی منش و مرادی اوجقاز، حقوق جزای عمومی ۱، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۴۰۰، ۴۹)

لذا در فرض سؤال، مبلغ ديه باید طبق قانون قبلی باشد هر چند مبلغ آن بیش تر باشد.

یادداشت: .....

.....

.....

**سؤال ۱۰:** اگر مدت و میزان مرور زمان جرمی ۲ سال باشد و قانونی وضع شود که مدت مرور زمان را به ۴ سال افزایش دهد، تکلیف چیست؟

ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی در این باره بیان می‌دارد: «قوانین زیر نسبت به جرایم سابق بر وضع قانون، فوراً اجرا می‌شود: «... بند (ت): قوانین مربوط به مرور زمان...».

هم‌چنین نظریه مشورتی ۷/۹۴/۹۸ مورخ ۱۳۹۴/۱/۱۹ اداره حقوقی قوه قضائیه در این خصوص بدین شرح است:

«اولاً: اطلاق صدر ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در مورد مرور زمان، با توجه به شرایط سهل‌تر مرور زمان مقرر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نسبت به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ منصرف از حالتی است که مدت مرور زمان تعقیب یا اجرای حکم بر طبق قانون سابق نسبت به جرایم ارتكایی قبل از اجرای قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ منقضی شده باشد، لذا چنانچه جرمی در زمان حاکمیت مواد ۱۷۳ و ۱۷۴ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ و قبل از اجرای قانون مجازات ۱۳۹۲، مشمول مرور زمان شده باشد، باید حسب مورد، قرار موقوفی تعقیب یا اجرای حکم صادر شود و این امر منافاتی با بند (ت) ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ندارد.

ثانیاً: در خصوص جرایم واقع شده در گذشته که با لازم الاجرا شدن قانون فوق‌الذکر، مواعد مرور زمان آنها کامل نشده است، مواعد قانونی مرور زمان در قانون لاحق نسبت به آنها اعمال می‌شود، هرچند مشمول مرور زمان در قانون لاحق، بیش از مواعد ذکر شده در قانون سابق باشد، زیرا به تصریح ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قوانین مذکور در بندهای چهارگانه این ماده از جمله قوانین مربوط به مرور زمان نسبت به جرایم سابق بر وضع این قانون باید اجراء شود.» (شاه حیدری پور، محمدعلی، تحصیلدوست، فریدون، قانون مجازات اسلامی و نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه، انتشارات روزنامه رسمی، چاپ دوم، ویرایش اول، ۱۳۹۶، صص ۲۵ - ۲۴)

یادداشت:

**سؤال ۱۱:** اگر از کسی تجهیزات دریافت از ماهواره بگیرند و در حین تحقیقات، داشتن تجهیزات ماهواره قانونی شود، تکلیف چیست؟

مطابق بند (الف) ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی: «اگر رفتاری در گذشته جرم بوده است، به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود، حکم قطعی اجراء نمی‌شود و اگر در جریان اجراء باشد، اجرای آن موقوف می‌شود، در این موارد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجراء شده است هیچ‌گونه، اثر کیفری بر آن مترتب نیست.»

بنابراین در فرض سؤال مطروح، با توجه به اینکه در حین تحقیقات، داشتن تجهیزات ماهواره قانونی اعلام شده است به مثابه این است که اصلاً جرمی اتفاق نیفتاده است و به جهت جرم نبودن عمل ارتكابی مستند به ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری قرار منع تعقیب صادر می‌گردد و در صورتی که در جریان اجرا باشد، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌گردد.

یادداشت: .....

.....

.....

**سؤال ۱۲:** اگر قانونی در سال ۹۵ تصویب شود که خرید و فروش ارز را تا سال ۹۶ در کشور ممنوع و جرم اعلام نماید و متعاقب این امر پرونده‌ای در این خصوص، در سال ۹۷ به شعبه شما ارجاع شود، آیا جرمی اتفاق افتاده است؟ چه تصمیمی می‌گیرید؟

تبصره ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «مقررات فوق در مورد قوانینی که برای مدت معین و یا موارد خاص وضع شده است، مگر به تصریح قانون لاحق، اعمال نمی‌شود.»

بنابراین قوانینی که برای مدت معین و یا موارد خاص وضع می‌شوند، از شمول ماده ۱۰ خارج بوده و مشمول مقررات راجع به قاعده‌ی عطف به‌ماسبق نشدن قوانین جزائی نمی‌شوند مگر به تصریح خود آن قانون. (الهی منش و مرادی اوجقاز، حقوق جزای عمومی ۱، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۴۰۰، ۴۸)

در نهایت، با توجه به سؤال مطروحه و با توضیحات فوق الذکر می‌توان گفت که جرمی صورت نگرفته است و مطابق بند (ث) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قرار موقوفی تعقیب، به جهت شمول مرور زمان صادر می‌گردد.

یادداشت: .....

.....

.....

**سؤال ۱۳:** اگر شخصی محکوم به ۳ ماه حبس و انتشار حکم محکومیت قطعی شود، این رأی صحیح است؟

قانونگذار در دو ماده به بحث انتشار حکم محکومیت پرداخته است:  
الف) بند (س) ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی: که در مقام اعلام یکی از مجازات‌های تکمیلی می‌باشد و مجازات‌های تکمیلی از جمله انتشار حکم محکومیت قطعی، صرفاً برای جرایم حدی، قصاص و جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۶ می‌باشد. لازم به توضیح است مطابق ماده ۳ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، مجازات تکمیلی در تمامی مجازات‌های تعزیری قابل اعمال است و قید شمول این مجازات به جرایم تعزیری ۱ تا ۶ برداشته شده است.

ب) ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی: که با توجه به صدر ماده و تبصره آن خود به دو قسم تقسیم می‌شود:

۱- جرایم موجب حد محاربه و افساد فی الارض یا تعزیر تا درجه ۴ و نیز کلاهبرداری بیش از ۱۰۰ میلیون تومان، در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد، در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود.

۲- جرایم موضوع تبصره ماده ۳۶ در صورتی که مال موضوع جرم ارتكابی، ۱۰ میلیون تومان یا بیش‌تر باشد، انتشار حکم در یکی از رسانه‌های ملی یا روزنامه‌های کثیرالانتشار، الزامی است.

حال با توجه به توضیحات فوق و با توجه به فرض سؤال، باید گفت اگر شخصی محکوم به ۳ ماه حبس شود، انتشار حکم محکومیت وی صحیح نمی‌باشد، چرا که اگر انتشار حکم، جزو مجازاتهای تکمیلی باشد، چون شخص مرتکب جرم تعزیری درجه ۸ شده است، و مجازاتهای تکمیلی نیز صرفاً برای جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۶ می‌باشد پس صحیح نیست، هم‌چنین فرض سؤال، مشمول ماده ۳۶ نیز نمی‌باشد.

یادداشت: .....  
.....  
.....

**سؤال ۱۴: آیا مجازات شلاق ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی کتاب تعزیرات (رابطه نامشروع غیر از زنا)، قابل احتساب با حبس ناشی از بازداشت موقت می‌باشد یا خیر؟**

مطابق ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی، در صورتی که فرد پیش از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده مطرح بوده بازداشت شده باشد، مدت بازداشت قبلی در حکم محاسبه می‌شود و در صورتی که مجازات مورد حکم شلاق تعزیری یا جزای نقدی باشد هر روز بازداشت معادل سه ضربه شلاق یا چهل هزار تومان می‌باشد. نکته قابل ذکر اینکه، ماده ۶۳۷ کتاب تعزیرات به روابط نامشروع غیر از زنا اشاره دارد که یک تعزیر منصوص شرعی می‌باشد یعنی تعزیری که در شرع مقدس اسلام برای یک عمل حرام، نوع و مقدار کیفر مشخص شده باشد و مطابق تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی، مقررات ماده ۲۷ این قانون شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود. فلذا شلاق ماده ۶۳۷ قابل احتساب با حبس ناشی از بازداشت موقت نمی‌باشد.

رای وحدت رویه شماره ۷۷۰ مورخ ۱۳۹۷/۴/۲۶ هیات عمومی دیوان عالی کشور مقرر می‌دارد: «مستنبط از مقررات ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تعزیر، مجازاتی است که در موارد ارتكاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌شود و کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام مربوط به آن به موجب

قانون تعیین می‌شود و در ماده ۱۱۵ قانون به دادگاه اجازه داده شده مقررات راجع به تخفیف مجازات را در کلیه جرایم تعزیری اعمال کند و در تبصره دوم آن «تعزیر منصوص شرعی» که نوع و مقدار آن همانند مجازاتهای حدی، غیر قابل تغییر می‌باشد، از اطلاق ماده اخیرالذکر استثنا شده است.

یادداشت: .....

.....

.....

**سؤال ۱۵: فردی به ۳ سال حبس تعزیری محکوم شده است و مجازات آن تعلیق شده، آیا این فرد مشمول مجازات تبعی می‌شود؟**

هرچند که موضوع اختلافی است و جا دارد که در زمان اصلاح قانون مورد توجه قانونگذار قرار گیرد لیکن به نظر می‌رسد محکومیت به حبس تعلیقی به دلایل زیر آثار تبعی ندارد و موجب محرومیت از حقوق اجتماعی نمی‌گردد، زیرا:

اولاً نهاد تعلیق اجرای مجازات، در حقوق کیفری، یک نهاد ارفاقی است و فلسفه‌ی وجودی آن اقتضا دارد که آثار محکومیت تنجیزی بر آن بار نباشد.

ثانیاً با توجه به قید «پس از اجرای حکم» در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی و قید «محکوم را به تبع اجرای حکم» در تبصره ماده ۴۰ همان قانون، شرط محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم علیه، اجرای حکم است و در صورت عدم اجرای حکم به هر دلیل از جمله تعلیق مجازات، اعمال محرومیت از حقوق اجتماعی نیز منتفی خواهد بود.

ثالثاً تبصره ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی در تعریف محکومیت مؤثر به صراحت مقرر نموده است که محکومیت مؤثر، محکومیتی است که به تبع اجرای حکم باعث محرومیت از حقوق اجتماعی می‌شود در حالی که در فرض سؤال، اجرای محکومیت منتفی است.

رابعاً در صورت عدم ارتکاب جرم، در زمان تعلیق اجرای مجازات، محکومیت تعلیقی به استناد ماده ۵۲ قانون مجازات اسلامی بی‌اثر شده و از سجل کیفری حذف می‌شود در حالی که اگر معتقد باشیم که محکومیت تعلیقی مانند محکومیت تنجیزی دارای آثار تبعی است، ممکن است مواعد مندرج در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی حتی پس از ملغی الاثر شدن مجازات تعلیقی هم ادامه داشته باشد و این موضوع بر خلاف نص ماده ۵۲ می‌باشد.

خامساً نظریه مشورتی شماره ۷/۱۷۵۷ مورخ ۱۳۹۱/۸/۲۹ اداره حقوقی قوه قضائیه نیز مؤید این نظر است. (مصدق، محمد، شرح قانون مجازات اسلامی، انتشارات جنگل، جلد اول، چاپ دهم، ۱۳۹۶، صص ۱۶۴ - ۱۶۳)

یادداشت: .....

.....

.....